

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم	تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

عدم همراهی بعضی با امام حسین علیه السلام

کلمات کلیدی: امام حسین علیه السلام، عدم همراهی، اختیار و انتخاب، جاذبه‌های الهی، جاذبه‌های نفسانی و شیطانی، محمد حنفیه، فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام، یاری امام، امامت، امام سجّاد علیه السلام.

پرسش: آیا حضرت امیر علیه السلام در مورد امامت و عظمت امام حسین علیه السلام، به فرزندان مثل محمد حنفیه و عمر [آطرف]، کم گفته بودند؟ یا گفته بودند و آنها نخواستند ابراز کنند و امام حسین علیه السلام را یاری نکردند؟

پاسخ: واقعیت قضیه این است که آنها جایگاه امام حسین علیه السلام را به خوبی می‌دانستند و برایشان ذره‌ای ابهام نداشت؛ منتها انسان مختار و آزاد است؛ می‌تواند با انتخاب خود به دانسته‌هایش عمل کند؛ می‌تواند هم عمل نکند. بسیاری از انسان‌ها هستند که می‌دانند کاری که انجام می‌دهند، کار غلطی است؛ می‌دانند غیبت کردن گناه دارد؛ اما انجام می‌دهند. پس این به دلیل ندانستن نیست. جاذبه‌های مختلفی در وجود انسان هست؛ هم جاذبه‌های الهی، هم جاذبه‌های نفسانی و شیطانی. انسان‌ها می‌توانند هر یک از این دو دعوت را که در وجودشان هست لَبِّیک گویند. بعضی انسان‌ها در بعضی از موارد جنبه‌ی الهی را لَبِّیک می‌گویند؛ بعضی دیگر جنبه‌ی نفسانی و شیطانی را.

در فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام فرزندی هم بوده است که حضرت اصلاً او را عاق کردند! آن هم به همین دلیل است. بچه‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام بودن به این معنی نیست که اختیار و آزادی نداشته باشد و نتواند

به سمت بدی برود. به هر حال در فرزندانشان [چنین افرادی هم] بوده‌اند و البته محمد حنفیه به آن بدی هم نیست؛ ولی به هر حال در اینکه امام زمان خود را یاری نکرده، مسؤول است و توجیهی وجود ندارد. حالا بعضی‌ها گفته‌اند دست محمد حنفیه در یکی از جنگ‌ها آسیب دیده بود یا او را چشم زده بودند و دستش از کار افتاده بود؛ این حرف‌ها خیلی مطمئن و قابل اثبات نیست. قطعاً این نقطه‌ضعفی برای محمد حنفیه است. کما اینکه بعد از شهادت امام حسین علیه السلام هم محمد حنفیه تا مدت‌ها گمان می‌کرد که امام بعد از امام حسین علیه السلام خود اوست و این ادعا را به صورت جدی داشت تا اینکه امام سجاد علیه السلام به او گفتند عمو حاضری برویم از خدا بخواهیم بر اینکه کدام یک از ما امامیم، شهادت دهد؟ گفت: بله؛ و به مسجد الحرام آمدند. حضرت فرمودند: اگر این حجرالاسود بر امامت من شهادت دهد، قبول می‌کنی؟ گفت: بله. وقتی حجرالاسود به زبان آمد و به زبان فصیح بر امامت امام سجاد علیه السلام شهادت داد، محمد حنفیه کنار نشست.^۱ به هر حال این گونه لغزش‌ها را داشته است.

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

۱. موسوعة الامام الحسين عليه السلام، ج ۸، ص ۱۹۶۲؛ طبرسی، اعلام السوری، ۲۵۹؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۱۴۷ و حرّعاملی، اثبات الهداة، ج ۴، ص ۷۱.

۲. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵؛ حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.